

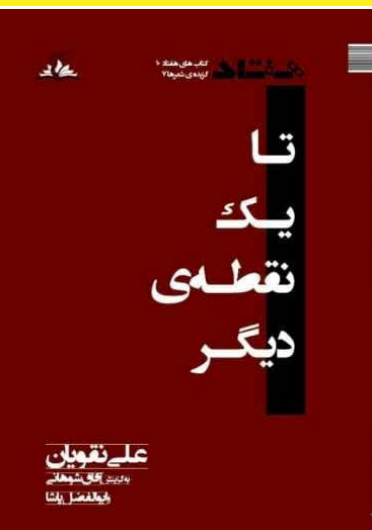
ابوالفضل پاشا در خصوص انتشار فرّوست کتاب های هفتاد؛

# شاعران گستره «هفتاد»

معیار اصلی، پیشرو بودن است



آرمان ملی - سمیه امینی راد: شعر هفتاد؛ اگر چه مشخصا به دهه هفتاد اشاره دارد، اما در واقع، به جریانی اتلاق می شود که بعد و حتی قبل از این دهه تقویمی نیز وجود و استمرار داشته است. به عبارت دیگر؛ پارامترهای مطرح در شعر موسوم به هفتاد، پارامترهای ایستایی نیستند و به تعبیر ابوالفضل پاشا، قابل به روزرسانی شدن اند. این شاعر و منتقد ادبی که از سال هاپیش با همراهی و همکاری چهره هایی دیگر، کانال، جراید و سلسله کتاب هایی را با رویکرد تبیین شعر «هفتاد»، راهبری کرده، در توضیح این رویکرد می گوید: «معیار ما برای اینکه چه شاعری و چه شعری هفتادی به شمار می آید، این نیست که آن شاعر چقدر شهرت دارد یا چه رزومه ای دارد» و اینکه: «پیشرو بودن هم تعریف و محدودیت ندارد. هر شعر پیشروی هم فقط یک بار پیشرو است و بعد از آن باید شعرهایی با معیارهایی جدیدتر منتشر شود». با هدف تشریح اهداف انتشار کتاب های فروست (سری) کتاب های «هفتاد» مصاحبه ای با او داشتیم که در ادامه می خوانید.



و مخالفان زیادی به همراه داشت. از این دو داور یکی ادعا کرد من نتوانستم آرای خودم را اینجا اعمال کنم که مثلا فلانی شاعر هفتاد بود اما متأسفانه لحاظ نشد. به هر حال چنین اختلاف نظرهایی پیش آمد، اما این کتاب اولین کتابی بود که از گزیده شعر شاعران هفتاد منتشر شد؛ آن هم با نظر شاعران هفتاد. اما کتاب بعدی که در این زمینه منتشر شد حول محور شاعران هفتاد نبود؛ بلکه گستره هفتاد را در نظر داشت و در آن، شاعران گستره هفتاد به سه دسته تقسیم شدند؛ گروه اول شاعرانی که از ابتدا این شعر را بنیانگذاری کردند، گروه دوم؛ شاعرانی که در نیمه دوم دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد به این گروه پیوستند و موجب تحکیم بیشتر این شعر شدند و گروه سوم؛ شاعرانی بودند که در دهه هفتاد شعر حضور فیزیکی نداشتند. در کتاب در «گستره هفتاد» کمیت شاعران به نسبتی که پیش می رفتیم از گروه اول به گروه دوم و گروه سوم بیشتر می شد و امروز هم اذعان می کنم شاعران زیادی هستند که در آن دوره از دید ما پنهان بودند و ما کمتر آنها را می شناختیم و یا شعرشان را کمتر می شناختیم و شعرشان به هم روز زمان بهتر و پیشروتر شد. امروزه ما باید یک مرجع دیگر و یک کتاب دیگر در حوزه گستره هفتاد تنظیم کنیم پیرامون شاعرانی که آن دوره از قلم افتادند. البته این کار زمان می خواهد و همکاری انتشاراتی را هم می طلبد و مستلزم یک کار دوسویه از طرف ما و ناشرهاست - که گاهی یاری می کنند گاهی یاری نمی کنند؛ چرا که مسائل مالی هم در بین است - . گزیده شعرهای «هفتاد» همین دو کتاب بوده است. کتاب اول را من و خواجات و چاپچی گردآوری کردیم و در کتاب دوم که برکارتر بود، من و خانم شوهانی نقش داشتیم.

«آیا بحث تقویمی شعر دهه هفتاد در انتخاب شاعران لحاظ شده است یا معیارهای دیگری در این سنجش موثر واقع شده است؟»

قبل از اینکه کتاب «در گستره هفتاد» منتشر شود، من شخصا در مصاحبه ها و یادداشت ها به صورت پراکنده اشاره کرده بودم که در شعر هفتاد، بحث تقویمی مطرح نیست. در مقدمه برخی از کتاب های هفتاد، به صراحت اذعان کرده ایم که بحث تقدیمی وجود ندارد. نام گذاری این نوع شعر به شعر هفتاد به شکل شتاب زده انجام شد؛ آن هم بدون اینکه مرجعی برای این کار در میان باشد. این جریان شعری برحسب همزمانی با دهه هفتاد چنین عنوانی را پذیرفت؛ درحالی که از اواسط دهه شصت هم این جریان شعری با شعر رضا چاپچی و نازنین نظام شهیدی آغاز شده بود؛ پس در شعر هفتاد، بحث تقویمی وجود ندارد. بحث این است که شعر هفتاد چگونه با شعر قبل از خودش تفاوت ایجاد کرد، چگونه گرش ها و دیدگاه ها عوض شد و به جای اینکه به کلان روایت ها بپردازد به خرده روایت ها پرداخت. اینکه شعر چگونه چندصدایی شد، چگونه به اشیا به عنوان ابژه توجه ویژه ای نشان داد، چگونه از مفاهیم مطلق گرایی شعر قبل از هفتاد جدا شد و به طور نسبی به همه چیز نگاه کرد و سایر معیارها که در طول این سال ها در مصاحبه های شاعران هفتاد به آن ها اشاره شده است. پس شعر هفتاد به در حوزه های تقویمی بلکه در حوزه های جریان شناسی باید نقد و بررسی شود.

«به نظر شما چاپ کتاب های هفتاد و انتشار مقالات و مصاحبه های متعدد در مجلات و کتاب ها در بر سر زبان افتادن شعر هفتاد، موثر واقع شده است و منشا تغییرات و تحولات بوده است؟»

صدا در صد همین طور بود و بازخورد های خیلی خوبی داشت. اصل نامی توانیم تصور کنیم که چاپ کتاب هایی اینچنین در جامعه بی تاثیر باشد. تمام اقداماتی که اشاره کردم، اعم از ایجاد کانال هفتاد، فصلنامه هفتاد و کتاب در گستره هفتاد، همگی در دوره های زمانی خودشان موثر واقع شدند؛ چنان که در اظهار نظر افراد موافق و مخالف نقش چشمگیر داشتند. بسیاری از شاعران هفتاد و حتی خیلی از شاعران جوان تر هم ذیل شعرهایشان هشتک هفتاد می زدند. اینها نشان از تأییدی داشت که این اقدامات به جا گذاشته بودند. از طرف دیگر افراد زیادی بیغام می فرستادند که مایل هستند شعرشان در کانال هفتاد قرار بگیرد و یا مجموعه شعری داشتند که دلشان می خواست که در فروست کتاب های هفتاد چاپ شود؛ ولی به دلیل این که معیار انتشار شعر در کانال یا فروست کتاب های هفتاد پیشرو بودن شعرها بود. گاهی اوقات ما از انتشار آن شعرها متن می زدیم. همه این ها دل بر این است که چقدر این کتاب ها تأثیرگذار بوده است. این ها جزو تاریخ شفاهی هفتاد به شمار می رود که باید یک روز به نگارش در بیاید.

شعر متمرکز کنیم؛ چرا که گزیده ها به مقدار قابل توجهی منتشر شده اند. سوم؛ یکی دیگر از بخش های قابل توجه هفتاد، کتاب های نقد و نظر بوده است که یکی از آنها، کتاب «حرکت و شعر» است که با افزوده های قابل توجهی بر متن اصلی کتاب در همین فروست کتاب های هفتاد منتشر خواهد شد و کتاب دیگری با عنوان «۵۰ خوانش بر شعر هفتاد» شامل ۵۰ خوانش خواهد بود. کتاب هایی در حوزه نقد هم برخی از دوستان کار کردند و برخی نیمه کاره است که امیدواریم در آینده در حوزه نقد و نظر در این فروست منتشر کنیم.

«آیا در تبیین شاخص های شعر این دهه و انتخاب شعرهای این مجموعه، هیات یا گروه گزینشی تشکیل شده است؟»

از همان شروع کار، به این نتیجه رسیدیم که در گام اول، محوریت هفتاد را در نظر بگیریم. ایجاد کانال هفتاد از حدود ۶ یا ۷ سال پیش فعالیت مهمی در همین حوزه بود. بعد از آن تصمیم گرفتیم کتاب «در گستره هفتاد» را منتشر کنیم که البته دو سال طول کشید - گردآوری شعرهای این کتاب در سال ۹۵ شروع شد و در سال ۹۶ به اتمام رسید و در سال ۹۸ هم به چاپ رسید - و بازخورد خوبی هم داشت. از ابتدا همین ما مد نظر - من و خانم شوهانی - به عنوان دو شاعر هفتادی دست به کار شدیم و بر کتاب گستره هفتاد مقدمه ای نوشتیم که در تبیین عملکرد شاعران شعر این دهه موفق بود و اگر چه انتشار این کتاب کمی هم به تعویق افتاد، اما کمیت هدف رضایت بخش بود.

«چه شاخص هایی در گزینش شعر یا شاعر منتخب هفتاد لحاظ می شود؟»

یکی از اقدامات مهمی که در حوزه شعر هفتاد انجام دادیم، انتشار فصلنامه هفتاد به شکل الکترونیکی بود که در شماره صفر این نشریه در مقدمه تأکید کردیم که کلمه «هفتاد» بنا بر تجربه دهه اخیر، استعاره ای برای شعر پیشرو است. طبیعتا برخی از شاعرانی که در دهه هفتاد حضور داشتند، از گستره شعر هفتاد خارج می شوند و شاعرانی به این گروه می پیوندند که تأثیر گرفتند و حتی فراتر از تأثیرگیری، شعر هفتاد را به روزرسانی کردند و کارهای نویی انجام دادند؛ کارهایی که برخی از شاعران هفتاد انجام نداده بودند. همه این ها معیار آفرینی و هم افزایی بود که نسل های جدید به نسل قدیم پیوندند و همه با هم یک حرکت دسته جمعی انجام دهند؛ یعنی پیشرو بودن شرط اساسی برای شعر و شاعر هفتاد محسوب می شود. در فروست شعر هفتاد، مجموعه شعر کسانی چاپ می شود که شاید پیش از این، مجموعه شعری هم منتشر نکرده باشند. پس معیار ما برای اینکه چه شاعری و چه شعری هفتادی به شمار می آید، این نیست که آن شاعر چقدر شهرت دارد یا چه رزومه ای دارد. بعضی ها که در دهه هفتاد هم فعال بودند، بعد که به تکرار خودشان رسیدند، از حوزه شعران هفتاد خارج شدند. ما شهرت یا دوستی را در نظر نداریم؛ فقط پیشرو بودن ملاک است. پیشرو بودن هم تعریف و محدودیت ندارد. هر شعر پیشرویی هم فقط یک بار پیشرو است و بعد از آن باید شعرهایی با معیارهایی جدیدتر منتشر شود؛ یعنی معیار اگر بخواید به تکرار برسند، سرنوشت همان شاعرانی را شاهد خواهیم بود که از گردن شاعران هفتاد خارج شدند که نیاز به نام بردن نیست. شاعرانی از نسل خود ما بودند و کار اجرایی هم داشتند؛ ولی متأسفانه در طول زمان نتوانستند خود را به روزرسانی کنند. تأکید می کنم؛ شاخص ما پیشرو بودن شعر و شاعر است.

«گردآورندگان گزیده اشعار «هفتاد» چه کسانی بودند و با چه معیارهایی گزینش می کردند.»

در سالیان اخیر گزینش و انتشار شعر شاعران هفتاد در دو مورد انجام شد که در هر دو مورد، من شخصا حضور داشتم. اولی کتابی بود به اسم «هفتاد» که در انتشارات سرزمین اهورایی منتشر شد و مدیر نشر - مجید ضرغامی - تأکید داشت سه داور حضور داشته باشند. با رایزنی هایی که انجام شد به این نتیجه رسیدیم بهزاد خواجات، رضا چاپچی و بنده داوران کتاب «هفتاد» باشیم که همه ما در دفتر این انتشارات جمع شدیم، صحبت ها و همفکری های بسیاری پیرامون این کتاب انجام دادیم، معیارهایی را در نظر گرفتیم و شاعران را برحسب این معیارها انتخاب کردیم. البته اگر امروز از من درخصوص بعضی از این شاعران بپرسند، شاید دیگر آنها را شاعر هفتاد قلمداد نکنم؛ چون در طول زمان، شعر خود را به روزرسانی نکرده اند. اما در آن مقطع زمانی بر اساس همفکری ها، رای همه داوران را در نظر داشتیم. زایل توجه است که آقای ضرغامی که خود شاعر است، ابداع و انتخاب ها در حالت نکرد و در ضمن، نظر مطلق کسی آنجا اثرانند. این کتاب سر و صدای زیادی به پا کرد و موافقان

«از آنجا که در مجلات و کتاب های متعدد از منظرهای گوناگون به شعر هفتاد پرداخته شده است، کتاب های فروست هفتاد از چه منظری و با چه رویکردی منتشر شده اند؟ آیا به قصد تجلیل از شاعران یا به قصد تحلیل آنان است؟»

شعر هفتاد به قدری امکانات و پیشروی هایی داشته که هر قدر هم از منظرهای مختلف به این مهم پرداخته شود، باز هم کم است. ما در حوزه انتشار شعر هفتاد، حجم قابل ملاحظه ای آثار داریم، اما در حوزه نقد هفتاد، بسیار فقیریم؛ یعنی در نگرش، بحث و تبادل نظر پیرامون هفتاد، جامعه ما هنوز نیازمند قدم های بزرگ تری است. در جامعه ای که ما دوست داریم نقد شعر هفتاد در شکل راستین آن در دسترس باشد، متأسفانه به شکل اندک در دسترس است ولی همین مقدار اندک هم اصلا پاسخگو نبوده و هنوز هم اشتباهات فاحشی مشهود است. باید شاعران و افرادی که دوستدار شعر پیشرو هستند، کاری جدی انجام دهند. با همین هدف هم انتشار کتاب های هفتاد آغاز شد و برای این منظور کتاب های هفتاد را راه اندازی کردیم که بخشی از این جای خالی پر شود. من شخصا اقداماتی به شکل اجرایی به همین منظور انجام داده ام؛ ابتدا کانالی به اسم کانال هفتاد در فضای تلگرام ایجاد کردم که خوشبختانه بازخورد خوبی داشت؛ یعنی قبل از ایجاد این کانال خودزنی هایی از طرف بعضی از شاعران هفتاد دیده بودم که متأسفانه برخی از مطبوعات هم به آن دامن می زدند و این درد بزرگی بود که برخی از مصاحبه ها با برخی از شاعران هفتاد با تیرهای مغرضانه و اشتباه منتشر می شد. مثلا چنین تیرتی: «نمی توانم بگویم که من شاعر هفتادی هستم» فاجعه ایجا بود که خود شاعران هفتادی هم علیه هفتاد موضع می گرفتند! یا مثلا اینها: «فقطانه می گویم که شعر هفتاد وجود ندارد» این ها فاجعه است که تیرت شاعران اصلی هفتاد اینگونه بود و صاحبان رسانه هم به دلیل جاذبه ای که ایجاد می کرد این تیرها را انتخاب می کردند! آری؛ اولین اقدام من برای معرفی دقیق شعر هفتاد، راه اندازی کانال هفتاد بود که توانست روشنگری کند و این دیدگاه ها را از بین ببرد و کسانی که علاقه مند بودند و روش کاری شان هفتادی بود، متوجه شدند که آن ها هم جزء گستره شعر هفتاد محسوب می شوند و یک نظم و نسقی به آثارشان دادند؛ بدون اینکه دهه هفتاد را دیده باشند. حتی شاعرانی بودند که بعد از دهه هفتاد به دنیا آمده بودند اما متوجه شدند روش کارشان هفتادی است و می توانند جزو شاعران گستره هفتاد به شمار بیایند. این کار بخشی از هدفی شد که در ذهن من و آقای شوهانی بود و به هر حال تا حدود زیادی توانستیم این چالش را برطرف کنیم. وقتی ما چنین هدفی داریم، به هیچ وجه به دنبال تجلیل از شاعران هفتاد نیستیم و نبودیم. از طرفی شاعران هفتاد نیازی به تجلیل ندارند؛ زیرا سال ها شعر گفته اند و تثبیت شده اند. شعرهای شاعران هفتاد آنقدر مهم و تأثیرگذار بوده که ما این ویژگی مثبت را نه می توانیم انکار کنیم، نه می توانیم علیه آن جبهه بگیریم. قصد ما تحلیل بوده؛ حالا این تحلیل تا چه حد انجام شده یا نشده، جامعه باید بگوید. به تعبیر بارت که می گوید: «مؤلف مرده» ما باید بگوییم مثلا؛ محقق مرده. من به عنوان یک محقق مرده می خواهم سخن بگویم که این کتاب ها در جامعه تأثیرگذار بوده و بازخورد خوبی داشته است. این کتاب ها به خیلی از کسانی که درباره شعر هفتاد چیز چندانی نشنیده بودند و با اطلاعات غلطی داشتند، کمک کرده است. در حال حاضر نیز بسیاری از شاعران، شعرهاشان را برای انتشار در کانال هفتاد ارسال می کنند. ولی از آنجا که شماری از این آثار، شعرهایی پیشرو نیستند، نمی توانیم انتشارشان دهیم. در واقع ما به خود شعر تعهد داریم؛ نه به افراد.

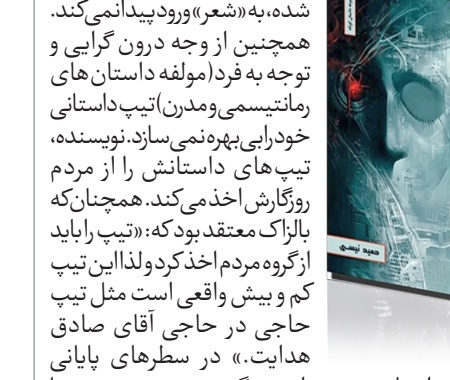
«آیا تاکنون کتاب های قابل تأملی پیرامون پژوهش ها و نقدهای شاعران دهه هفتاد منتشر شده است؟»

قبل از اینکه پیرامون سوال شما توضیح بدهم، از یک منظر کلی کتاب های هفتاد را برای مخاطبان تشریح می کنم. ایجاد فروست کتاب های هفتاد از همان ابتدا که من و خانم شوهانی آن را پایه گذاری کردیم، طی توافقی که با ناشر داشتیم، قرار بود به چند دسته تقسیم شوند؛ یکی گزیده های شعر که نمونه هایش به تعداد قابل توجهی منتشر شده است و حتی بیش ترین تعداد به گزیده های شعر اختصاص داشته. دوم، مجموعه شعرهای مستقلی که این اتفاق، الزاماً مبتنی بر نام و شهرت شاعران آن ها نبوده؛ بلکه اساس کار بر موفق بودن آن مجموعه ها شکل گرفته است. البته این فرصت را برای آینده گذاشته ایم تا از این به بعد نیرو را روی مجموعه های



سارا محمدی نورکی نویسنده

داستان «موجوداتی سنگ شده» داستانی واقع گراییه است. نویسنده داستان را با نقل سوم شخص روایت می نماید. مولف در ابتدای داستان فضای سرد و دودآلود خانه را با عنصر باد در هم می آمیزد و از پرده های سرخ رنگ آویزان، سخن به میان می آورد که البته اگر گرمی و گیرایی (اشاره مستقیم نویسنده) آن در کار نبود می توانستیم ارتباط های معنایی بیشتری با این پوشش افراشته برقرار کنیم. ترسیم خانه، بنا بر نقل راوی سوم شخص نشانی از فقر و ناداری، محدود بودن فضا و مکان زندگی زوج زن و مرد داستان دارد. مسأله داستان طلاق عاطفی زن و مرد است. زوجی که تنها وجه اشتراک شان هم خانه بودن است. حمید نیسی در این داستان قصد دارد که بازتاب روح آزاده را در زندگی، به همان گونه که باید باشد نشان دهد. زندگی زن و مردی که وجود فرزند هم نتوانسته است کاری برای خوشبختی شان انجام دهد. علاوه بر آن باعث جرحه دار شدن روان آسانی می شود که حالا در این داستان، پدر نام دارد. پدری که نسبت به وجود فرزند خود نیز حسادت می کند. شخصیت مرد داستان، شخصیت درون گرایی است ما از ضمیر درونی او می فهمیم که مورد کم لطفی شریک زندگی خود قرار گرفته است. داستان با جنبه های درونی یک روح آزاده سرو کار دارد. لذا نقدرها با جنبه های بیرونی کاری ندارد. اگر هم دارد بازخورد همان روان پریش درمان نشده اوست. شخصیت مرد برای رهایی از تنهایی و بیگاری به اعتیاد روی می آورد و اعتیاد مانند مرضی خطرناک، از او فردی ناتوان ساخته است. فردی که اعتماد هایش را از دست داده و همسرش از او روی گردان است. شیوه بازنشاسی چهره ظاهری مرد معتاد با روش مستقیم از زاویه دید سوم شخص نقل می شود. داستان از تکنیک بازگشت به زمان قبل برخوردار است. این بازگردانی زمان به وسیله تکنیک عوض کردن زاویه دید از سوم شخص به اول شخص صورت می پذیرد. درد و دل فرد معتاد به صورت یادداشت توسط شخصیت مرد به روی برگه آورده می شود. نیسی حالا یک قدم نسبت به مجموعه داستان های اولیه اش جلوتر است. با تقسیم کردن روایت بین راوی سوم شخص و اول شخص نشان می دهد که نقدرها هم به چارچوب رئالیسم قرن نوزدهم وفادار نیست، اما در تعریف های دیگر این سبک از جمله: توجه به اجتماع معاصر، تیب سازی، توجه به واقعیت، همچنان با آن روال همسوی و همسایه است. حمید نیسی در نوشتن داستان «نثر» را در نظر می گیرد و در داستان موجوداتی سنگ شده، به «شعر» ورود پیدا نمی کند.



همچنین از وجه درون گرایی و توجه به فرد (مولفه داستان های رمانتیسیمی و مدرن) تیب داستانی خود را بی بهره نمی سازد. نویسنده، تیب های داستانش را از مردم روزگارش اخذ می کند. همچنان که به بازراک معتقد بود که: «تیب را باید از گروه مردم اخذ کرد و لذا این تیب کم و بیش واقعی است مثل تیب حاجی در سطح آقای صادق هدایت». در شعرهای پایانی داستان «موجوداتی سنگ شده» «پرده سرخ» یا چین های خاموش ولی گویایش مانند نقاب، پنجره و روشنایی رامستور کرده است. «پرده تصویر متفاوتی در ذهن مخاطب ایجاد می کند. این بار «سرخ پرده» نمادی برای نشان دادن «جنابیی خاموش» است. همچنین پرده در معناهای دیگر تکثیر پیدا می کند و به پایان بندی باز و زیبایی داستان کمک شایانی می کند. همچنان که: «مردمک های سیاه در فاصله بین مادر و بچه در رفت و آمد است». گرچه مکان داستان خانه یا محل سکونت در نظر گرفته شده است اما مکان روایت در عمق و ذهن مرد معتاد قرار دارد و با بناباشتن عقده های تدریجی، سعی دارد به زندگی خود آتش نیستی بزند. نیسی به مشخصه های (خصوصیات) روانی تیب های داستانی خود اهمیت می دهد. روح و روان در صدر روایت قرار دارد و انسان های داستانش را به واسطه احساس های مختلف درونی از هم تفکیک می کند و به آنها هویت می بخشد. در واقع بعد روانشناسی در این داستان عنصر پرنرنگی است که دائم ذهن مخاطب را درگیر می کند و مدام چرایی این اتفاق ذهنی را برای درک بیشتر خود مد نظر می گیرد.

زمان خاص داشته. دوم، مجموعه شعرهای مستقلی که این اتفاق، الزاماً مبتنی بر نام و شهرت شاعران آن ها نبوده؛ بلکه اساس کار بر موفق بودن آن مجموعه ها شکل گرفته است. البته این فرصت را برای آینده گذاشته ایم تا از این به بعد نیرو را روی مجموعه های داستانی خود داشته ای که از آن به عنوان یادداشت نام می برد زمان گذشته است. یعنی زمان دور و نزدیک می شود. داستان «موجوداتی سنگ شده» داستان فقر، تنهایی و بیماری آدم هایی است که درمان نشده اند و با روان پریشان شان دست به جنایت علیه خود می زنند. آنچه برای نویسنده اهمیت دارد خود درونی انسان است و در این میان که در عین خاموشی بیدار و مضطرب اند. داستان «موجوداتی سنگ شده» منسجم و به ایجاز نوشته شده است. لذا بی کم و کاست آنچه لازمه روایت داستانش است، به اطلاع مخاطب رسانده است. پی نوشت: «موجوداتی سنگ شده» هفتمین داستان از مجموعه ای به همین نام نوشته حمید نیسی است که در سال ۱۴۰۳ توسط انتشارات ناران به چاپ رسیده است.

